

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۱) معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

اختلاف: رفت و آمد

استخلاص: رهایی جستن، رهایی دادن

التفات: توجه

امام: راهنما، پیشوا

اولی تر: شایسته تر، سزاوارتر

اهمال: کوتاهی، سهل‌انگاری کردن

بر اثر: به دنبال؛ اثر: ردّپا

تخلّص: رهایی

تعاون: یکدیگر را یاری کردن، یاری رساندن

تکفل: عهده دار شدن

تگ: دویدن

تیمار: مواظبت، مراقبت

ثقت: اطمینان، خاطر جمعی

جال: دام و تور

حَبّه: دانه

خایب: ناامید، بی بهره

دَها: زیرکی و هوشمندی

راه تافتن: راه را کج کردن، تغییر مسیر دادن

رخصت: اجازه، اذن دادن

ریاحین: جمع ریحان، گیاهان خوشبو

زُمرّد: سنگ قیمتی به رنگ سبز

زه آب: آبی که از سنگی یا زمینی می جوشد؛ مجازاً اشک

ستیزه روی: گستاخ و پُر رو

سَر: رئیس

سیادت: سروری، بزرگی

شکاری: منسوب به شکار؛ صید، نخجیر

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

صافی: پاک، بی غش، خالص

صواب: صلاح و درست

طاعن: سرزنشگر، عیب جو

عقده: گره

قفا: پشت گردن، در اینجا به معنای دنبال و پی است.

گُرازان: در حال گرازیدن و به ناز و تکبر راه رفتن، خرامان

گشن: انبوه، پُر شاخ و برگ

مُتصیّد: شکارگاه

متواتر: پی در پی، پیایی

مجادله: جدال و ستیزه

مطاوعت: فرمان بری

مطلق: رها شده، آزاد

مُطَوَّقَه: طوق دار

مظاهرت: یاری کردن، پشتیبانی

معونت: یاری، کمک

ملالت: آزدگی، ماندگی، به ستوه آمدن

ملامت: سرزنش

ملول: سست و ناتوان، آزرده

مناصحت: اندرز دادن

منقطع: بریده، قطع شده

مواجب: جمع موجب، وظایف و اعمالی که انجام آن بر شخص واجب است.

مواضع: جمع موضع، جای ها

موافق: همراه، هم فکر

موالات: با کسی دوستی و پیوستگی داشتن، دوستداری

مودت: دوستی، محبت، دوستی گرفتن

ناحیت: ناحیه، سرزمین

نزه: باصفا، خوش آب و هوا، خرم

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

همگان: همگان ، همه

ورطه: مهلکه، خطر و دشواری

وقیعت: بدگویی ، سرزنش ، عیب جویی

(۱) آورده اند که در ناحیتِ کشمیرِ مُتَصَيِّدِی خوش و مرغزاری نَزِه بود که از عکسِ ریاحینِ او، پَرِ زاغ چون دُمِ طاووس نمودی و در پیشِ جمالِ او دُمِ طاووس به پر زاغ مانستی.

(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. نقل کرده‌اند که در سرزمین و ناحیهٔ کشمیر شکارگاهی خوش و سبزه‌زاری باصفا وجود داشت که از انعکاس تصویر گل‌های خوشبوی آن پر کلاغ که نماد زشتی است مانند دم طاووس زیبا به نظر می‌رسید و در مقابل زیبایی آن دم طاووس که نماد زیبایی است مثل پر زاغ زشت بود.

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «آورده اند که در ناحیت^۱ کشمیرِ مُتَصَيِّدِی^۲ خوش و مرغزاری نَزِه^۳ بود که از عکسِ ریاحین^۴ او، پَرِ زاغ چون دُمِ طاووس نمودی و در پیشِ جمالِ او دُمِ طاووس به پر زاغ مانستی.»

(۱) (۲) (۳) (۴)

(۳) در این عبارت تشبیه و ارکان آن را مشخص کنید.

مشبه: پر زاغ مشبه‌به: دم طاووس ادات تشبیه: چون

مشبه: دم طاووس مشبه‌به: پر زاغ ادات تشبیه: مانستی

(۴) در این عبارت، نمادها را مشخص کنید. پر زاغ نماد زشتی

(۵) رابطهٔ معنایی کلمات زیر را بنویسید.

زاغ و طاووس: تضاد پر و دم: تناسب

(۲) درفشان لاله در وی، چون چراغی ولیک از دُودِ او بر جانش داغی

(۱) معنی بیت را به نثر روان بنویسید. در آن سبزه‌زار گل لاله مانند چراغی روشن می‌درخشید اما از دود آن چراغ میان گلبرگ-هایش سیاه شده بود.

(۲) در بیت «درفشان لاله در وی، چون چراغی / ولیک از دُودِ او بر جانش داغی» تشبیه و ارکان آن را مشخص کنید.

مشبه: لاله مشبه به: چراغ ادات تشبیه: چون وجه شبه: درفشان (درخشندگی)

(۳) مرجع ضمیر «وی»، «او» و «-ش» را بنویسید. وی: مرغزار یا سبزه‌زار او: چراغ -ش: لاله

(۴) در بیت «درفشان لاله در وی، چون چراغی / ولیک از دُودِ او بر جانش داغی» استعاره را مشخص کنید و مفهوم استعاری آن را بنویسید. داغ استعاره از سیاهی میان گلبرگ‌های لاله

(۵) بیت «درفشان لاله در وی، چون چراغی / ولیک از دُودِ او بر جانش داغی» را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

الف) تشبیه ب) استعاره پ) حُسن تعلیل (شاعر علت سیاهی میان گلبرگ‌های گل لاله را دود چراغ می‌داند) ت) تناسب: چراغ و دود
ث) ایهام تناسب

۶) الگوی ساخت واژه «درفشان» را بنویسید. بن مضارع (درفشیدن یا درخشیدن) + ان ← صفت فاعلی
۷) در بیت «درفشان لاله در وی، چون چراغی / ولیک از دُودِ او بر جانِش داغی» دو ترکیب اضافی مشخص کنید.

۳) شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرد، جامِ باده
۱) معنی بیت را به نثر روان بنویسید. در آن سبزه‌زار گل شقایق بر ساقه خود مانند جام شرابی که بر پایه‌ای از زمرد باشد، ایستاده بود.

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «چو بر شاخ زمرد، جامِ باده»

۳) در بیت «شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرد، جامِ باده» تشبیه و ارکان آن را مشخص کنید.

مشبه: شقایق بر یکی پای ایستاده / مشبه به: بر شاخ زمرد، جامِ باده / ادات تشبیه: چو

۴) در بیت «شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرد، جامِ باده» تشخیص را مشخص کنید. شقایق (بر پای ایستادن)

۵) در این بیت «شاخ زمرد» بیانگر چه رنگی است؟ سبز

۴) و در وی شکاری بسیار و اختلافِ صیادانِ آن جا متواتر.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. در آن سبزه‌زار، جانوران مناسب شکار (صید) بسیار بود، به همین سبب شکارچیان پی‌درپی به آنجا رفت‌وآمد می‌کردند.

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «در وی شکاری بسیار و اختلافِ صیادانِ آنجا متواتر».

۳) مرجع ضمیر «وی» را بنویسید. مرغزار

۴) در عبارت «و در وی شکاری بسیار و اختلافِ صیادانِ آن جا متواتر» وابسته‌های پیشین و پسین را مشخص کنید و نوع آن‌ها را بنویسید.

۵) در عبارت «و در وی شکاری بسیار و اختلافِ صیادانِ آن جا متواتر» یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی مشخص کنید.

۶) در عبارت «در وی شکاری بسیار و اختلافِ صیادانِ آن جا متواتر» نوع «و» را بنویسید. حرف ربط

۷) در عبارت «و در وی شکاری بسیار و اختلافِ صیادانِ آن جا متواتر» چه جزئی از جمله حذف شده است؟ جزء حذف شده را بنویسید. (بود): حذف به قرینه معنوی

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۵) زاغی در حوالی آن بر درختی بزرگ گشن خانه داشت. نشسته بود و چپ و راست می نگریست
(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. زاغی در اطراف و نزدیکی آن سبزه‌زار بر درختی بزرگ و پرشاخ‌وبرگ لانه داشت. و همه اطراف را زیر نظر داشت.

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. « بر درختی بزرگ گشن خانه داشت »

(۳) در عبارت « نشسته بود و چپ و راست می نگریست » مجاز را بیابید و مفهوم آن را بنویسید. چپ و راست مجاز از همه اطراف

(۴) در عبارت « زاغی در حوالی آن بر درختی بزرگ گشن خانه داشت » دو ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی مشخص کنید.

۵) در عبارت « نشسته بود و چپ و راست می نگریست » نوع « و » را بنویسید. حرف ربط

۶) ناگاه صیادی بدحال خشن جامه، جالی بر گردن و عصایی در دست، روی بدان درخت نهاد
(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. ناگهان صیادی بدبخت و تندخو در حالی که لباسی زبر و فقیرانه به تن ، و دامی بر گردن و عصایی در دست داشت، به سمت آن درخت حرکت کرد.

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. « جالی بر گردن و عصایی در دست، روی بدان درخت نهاد »

(۳) منظور از « بدحال » و « خشن جامه » چیست؟ بدحال: بدبخت و تندخو خشن جامه: زبر و فقیرانه

(۴) « صیادی بدحال » چه نوع ترکیبی است؟ وصفی

۷) و با خود گفت: « این مرد را کاری افتاد که می آید و نتوان دانست که قصد من دارد یا آن کس دیگر. من باری جای نگه دارم و می نگرم تا چه کند »

(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. [آن زاغ] با خود گفت: این مرد می خواهد کاری انجام دهد که به سمت من می آید و نمی توان فهمید که قصد شکار مرا دارد یا موجودی دیگر. به هر حال (خلاصه) این جا می مانم و می نگرم که می خواهد چه کار کند.

(۲) در عبارت « این مرد را کاری افتاد که می آید و نتوان دانست که قصد من دارد یا آن کس دیگر » نوع « و » را بنویسید. حرف ربط

۸) صیاد پیش آمد و جال باز کشید و حبه بینداخت و در کمین بنشست. ساعتی بود؛ قومی کبوتران برسیدند و سر ایشان کبوتری بود که او را مَطُوقَه گفتندی و در طاعت و مطاوعت او روزگار گذاشتندی

(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. صیاد جلو آمد و دام را پهن کرد و دانه ریخت و در کین نشست. مدتی گذشت؛ گروهی از کبوتران رسیدند و رئیس آن‌ها کبوتری بود که او را «مطوقه» می نامیدند.

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) حَبَّه بینداخت و در کمین بنشست

ب) و سِر ایشان کیوتری بود که او را مُطَوَّقَه گفتندی

پ) در طاعت و مطاوعت او روزگار گذاشتندی

۳) «ساعتی بود» یعنی چه؟ مدتی گذشت

۴) عبارت «جال بازکشید» یعنی چه؟ دام را پهن کرد

۵) «مطاوعت او» چه نوع ترکیبی است؟ اضافی

۹) چندان که دانه بدیدند، غافل وار فرود آمدند و جمله در دام افتادند

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. همین که کیوتران دانه‌ها را دیدند با غفلت و بی‌خبری پایین آمدند و همگی در دام گرفتار شدند.

۲) در عبارت «غافل وار فرود آمدند و جمله در دام افتادند» نوع «و» را مشخص کنید.

۱۰) و صیاد شادمان گشت و گرازان به تگ ایستاد، تا ایشان را در ضبط آرد و کیوتران اضطرابی می کردند و هر یک خود را می کوشید.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. و صیاد شادمان شد و خرامان شروع به دویدن کرد، تا کیوتران را بگیرد و کیوتران بی‌قراری می کردند و هر یک برای نجات و خلاصی خود تلاش می کرد.

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «گرازان به تگ ایستاد، تا ایشان را در ضبط آرد»

۳) «به تگ ایستادن» یعنی چه؟ شروع به دویدن کرد

۴) در هر یک از عبارتهای زیر کلمه «را» به چه معنایی به کار رفته است؟

الف) گرازان به تگ ایستاد، تا ایشان را در ضبط آرد. نشانه مفعول

ب) هر یک خود را می کوشید. حرف اضافه به معنی «برای»

۱۱) مُطَوَّقَه گفت: «جای مجادله نیست؛ چنان باید که همگنان استخلاص یاران را مهم تر از تخلص خود شناسند و حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است.»

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. مُطَوَّقَه گفت: «اکنون وقت جدال و ستیزه نیست؛ لازم است که همگی رهایی دادن یاران را مهم تر از رهایی و نجات خود بدانند و اکنون درست آن است که با همیاری توان و نیروی خود را به کار ببرید تا دام را از زمین بلند

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

کنیم زیرا راه نجات ما در آن است.

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(الف) (مُطَوَّقَه گفت: «جایِ مجادله نیست»

ب) چنان باید که همگنان استخلاص یاران را مهم تر از تخلص خود شناسند

پ) حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید

(۱۲) کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سر خویش گرفت و صیاد در پی ایشان ایستاد، بر آن امید که آخر درمانند و بیفتند.

(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. کبوتران فرمان مطوقه را انجام دادند و دام را از زمین جدا کردند و راه خود را پیش گرفتند (به راه خود ادامه دادند) و صیاد به دنبال آنها رفت، به امید آن که سرانجام خسته شوند و بیفتند.

(۲) مفهوم کنایی عبارت «سر خویش گرفت» را بنویسید. راه خود را پیش گرفتند (به راه خود ادامه دادند)

(۳) در عبارت «کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سر خویش گرفت و صیاد در پی ایشان ایستاد» نمونه‌ای برای حذف شناسه بیابید.

(۴) در عبارت «صیاد در پی ایشان ایستاد» در باره کاربرد «ایستاد» توضیح دهید. به معنی شروع کردن

(۱۳) و زاغ با خود اندیشید که بر اثر ایشان بروم و معلوم گردانم فرجام کار ایشان چه باشد که من از مثل این واقعه ایمن نتوانم بود. و از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت.

(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. زاغ با خود فکر کرد که به دنبال آنها (کبوتران) بروم و آشکار و مشخص کنم که سرانجام

کارشان چه می‌شود زیرا من نیز از چنین حادثه‌ای نمی‌توانم در امان باشم. و از تجربه‌ها می‌توانم سلاحی برای دفع حوادث ساخت.

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «بر اثر ایشان بروم و معلوم گردانم فرجام کار ایشان چه باشد»

(۳) در عبارت «و از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت» تشبیه و ارکان آن را مشخص کنید.

مشبه: تجارب مشبه به: سلاح‌ها

(۱۴) و مُطَوَّقَه چون بدید که صیاد در قفای ایشان است، یاران را گفت: «این ستیزه روی در کار ما به جد است و تا از چشم او ناپیدا نشویم، دل از ما برنگیرد»

(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. و مطوقه وقتی دید که صیاد پشت سر و به دنبال آنان است، به یارانش گفت: «این صیاد

گستاخ در به دام انداختن ما بسیار جدی و مصمم است و تا زمانی که از چشم او ناپیدا نشویم از به دام انداختن ما ناامید نمی‌شود.

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «صیاد در قفای ایشان است»

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۳) مفهوم کنایی عبارت « دل از ما برنگیرد » را بنویسید. ناامید نمی‌شود

۴) در عبارت « یاران را گفت » در باره نوع و معنی کلمه «را» توضیح دهید. به

۱۵) طریق آن است که سوی آبادانی ها و درختستان ها رویم تا نظر او از ما منقطع گردد، نومید و خایب بازگردد که در این نزدیکی موشی است از دوستان من؛ او را بگویم تا این بندها ببرد.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. راه و روش آن است که به سمت مکان‌های آباد و مکان‌های پردرخت برویم تا چشم و نگاه او از ما قطع شود (ما را نبیند)، ناامید و بی‌بهره بازگردد که در این نزدیکی موشی که از دوستان من است زندگی می‌کند، به او می‌گویم تا این بندها را ببرد.

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) تا نظر او از ما منقطع گردد

ب) خایب بازگردد

۳) در هر یک از عبارت‌های زیر کلمه «را» به چه معنایی به کار رفته‌است؟

الف) او را بگویم تا این بندها ببرد. به

ب) هر یک خود را می‌کوشید. برای

پ) چنان باید که همگان استخلاص یاران را مهم تر از تخلص خود شناسند. نشانه مفعول

۴) نوع ترکیب‌های زیر را مشخص کنید.

الف) نظر او : اضافی ب) این نزدیکی : وصفی پ) دوستان من : اضافی ت) این بندها : وصفی

۵) در عبارت « سوی آبادانی ها و ^۱درختستان ها رویم تا نظر او از ما منقطع گردد، نومید و ^۲خایب بازگردد » نوع « و » را مشخص

کنید. (۱) عطف (۲) عطف

۱۶) کبوتران اشارت او را امام ساختند و راه بتافتند و صیاد بازگشت.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. کبوتران فرمان مطوقه را راهنمای خود قرار دادند و مسیر خود را تغییر دادند صیاد بازگشت.

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) کبوتران اشارت او را امام ساختند

ب) راه بتافتند و صیاد بازگشت

۳) در عبارت « کبوتران اشارت او را امام ساختند و ^۱راه بتافتند و ^۲صیاد بازگشت. » نوع « و » را مشخص کنید.

(۱) ربط (۲) ربط

۴) در عبارت « کبوتران اشارت او را امام ساختند و راه بتافتند و صیاد بازگشت » کلمه «را» به چه معنایی به کار رفته‌است؟ نشانه

مفعول

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۱۷) مُطَوَّقَه به مسکنِ موش رسید کبوتران را فرمود که «فرود آید». فرمان او نگاه داشتند و جمله بنشستند.
(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. مطوّقه به لانه موش رسید و به کبوتران فرمان داد که به سمت پایین بیاید. کبوتران فرمان او را اجرا کردند (از فرمان او اطاعت کردند) و همگی نشستند.

(۲) در عبارت «کبوتران را فرمود که «فرود آید». کلمه «را» به چه معنایی به کار رفته است؟ به

(۳) «فرمان او نگاه داشتند» یعنی چه؟ فرمان او را اجرا کردند (از فرمان او اطاعت کردند)

(۴) نوع ترکیب‌های زیر را مشخص کنید.

الف) مسکن موش : اضافی ب) فرمان او : اضافی

۱۸) و آن موش را زبرا نام بود، با دَهایِ تمام و خردِ بسیار؛ گرم و سردِ روزگار دیده و خیر و شرّ احوال مشاهده کرده.
(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. نام آن موش زبرا بود، کاملاً باهوش و خردمند؛ بسیار با تجربه و خوبی‌ها و بدی‌های روزگار را دیده و تجربه کرده بود.

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «با دَهایِ تمام و خردِ بسیار»

(۳) مفهوم کنایی عبارت «گرم و سردِ روزگار دیده و خیر و شرّ احوال مشاهده کرده» را بنویسید. بسیار با تجربه بود

(۴) در عبارت‌های زیر کلمه «را» به چه معنایی به کار رفته است؟

الف) آن موش را زبرا نام بود. جانشین کسره یا فک اضافه : نام آن موش زبرا بود. فک اضافه یا جانشین کسره

ب) سَرِ ایشان کبوتری بود که او را مُطَوَّقَه گفتندی. به

(۵) در عبارت «با دَهایِ تمام و خردِ بسیار؛ گرم و سردِ روزگار دیده و خیر و شرّ احوال مشاهده کرده.» کلمات تضاد و تناسب را مشخص کنید.

۱۹) و در آن مواضع از جهتِ گریزگاهِ روزِ حادثه صد سوراخ ساخته و هر یک را در دیگری راه گشاده و تیمارِ آن را فراخورِ حکمت و بر حَسَبِ مصلحت بداشته.

(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. [آن موش] در آن جای‌ها برای گریز از حوادثِ روزگار صد سوراخ و لانه ساخته بود و هر یک به دیگری راه داشت و متناسب با دانش و بروفق مصلحت از آن‌ها مراقبت می‌کرد

(۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) در آن مواضع از جهتِ گریزگاهِ روزِ حادثه صد سوراخ ساخته

ب) تیمارِ آن را فراخورِ حکمت و بر حَسَبِ مصلحت بداشته

(۳) نوع ترکیب‌های زیر را مشخص کنید.

الف) روز حادثه : اضافی ب) صد سوراخ: وصفی

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۲۰) مُطَوِّقَه آواز داد که «بیرون آی.» زبرا پرسید که «کیست؟» نام بگفت؛ بشناخت و به تعجیل بیرون آمد.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. مطوقه صدا زد که «بیرون بیا». زبرا پرسید که تو که هستی؟ مطوقه نام خود را گفت. زبرا مطوقه را شناخت و با شتاب به بیرون آمد.

۲) عبارت «مطوقه آواز داد که «بیرون آی.» زبرا پرسید که «کیست؟» نام بگفت؛ بشناخت و به تعجیل بیرون آمد.» چند جمله است؟ ۷ جمله

۲۱) چون او را در بند بلا بسته دید، زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی ها براند

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. وقتی زبرا، مطوقه را اسیر و گرفتار دید، اشک چشمانش مانند چشمه جاری شد و مانند جوی بر چهره اش سرازیر گشت. (بسیار گریست)

۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. «زه آب دیدگان بگشاد»

۳) مفهوم کنایی عبارت «زه آب دیدگان بگشاد» را بنویسید. بسیار گریست

۲۲) و گفت: «ای دوست عزیز و رفیقِ موافق، تو را در این رنج که افگند؟»

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. زبرا گفت: ای دوست عزیز و رفیق همراه، چه کسی تو را به رنج اسارت گرفتار کرد؟

۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. «ای دوست عزیز و رفیقِ موافق، تو را در این رنج که افگند؟»

۳) در عبارت «ای دوست عزیز و رفیقِ موافق، تو را در این رنج که افگند؟» نقش کلماتی را که زیر آن ها خط کشیده شده است، بنویسید. (۱) منادا (۲) صفت (۳) مفعول (۴) نهاد

۴) در عبارت «ای دوست عزیز و رفیقِ موافق، تو را در این رنج که افگند؟» نقش تبعی را مشخص کنید. معطوف

۲۳) جواب داد که: «مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید.» موش این بشنود و زود در بریدن بندها ایستاد که مطوقه بدان بسته بود.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. مطوقه جواب داد که: «تقدیر و سرنوشت مرا در این گرداب گرفتار کرد.» موش سخنان مطوقه را شنید و به سرعت به بریدن بندهایی مطوقه پرداخت.

۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. «مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید.»

۳) درباره کاربرد و معنای فعل «ایستاد» در جمله زیر توضیح دهید.

«موش این بشنود و زود در بریدن بندها ایستاد»: شرع کرد، آغاز کرد

۴) در عبارت «جواب داد که: «مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید.» یک صفت نسبی مشخص کنید و الگوی ساخت آن را بنویسید. آسمانی الگوی ساخت (اسم + ی ← صفت نسبی)

۵) در عبارت «جواب داد که: «مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید.» یک کلمه بر اساس الگوی (اسم + ی ← صفت نسبی) بیابید.

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۶) در عبارت « جواب داد که: « مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید.» موش این آشنود و زود در بریدن بندها ایستاد» تفاوت کاربرد کلمه «این» را توضیح دهید. ۱) وابسته پیشین: صفت اشاره ۲) ضمیر اشاره ، مفعول

۸) با توجه به عبارت « جواب داد که: « مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید.» به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف) نهاد را مشخص کنید. قضای آسمانی

ب) دو ترکیب وصفی مشخص کنید. قضای آسمانی ، این ورطه

پ) نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. « جواب داد که: « مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید.»

مفعول صفت متمم

۲۴) گفت: « نخست از آن یاران گشای.» موش بدین سخن التفات ننمود.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. مطوّقه گفت: ابتدا بندهای یارزانه را بازکن. موش به این سخن توجّی نکرد.

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. « موش بدین سخن التفات ننمود»

۲۵) گفت: « ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی تر.» گفت: « این حدیث را مکرّر می کنی؛ مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی باشد و آن را بر خود حقّی نمی شناسی؟»

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. مطوّقه گفت: «ای دوست سزاوارتر است که ابتدا بند دوستانم را بگشایی.» موش گفت: « این سخن بسیار تکرار می کنی؛ مگر تو به جانت نیاز نداری و برای جان خود حقّی قائل نیستی؟»

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. « ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی تر.»

۳) نوع ترکیب‌های زیر را بنویسید.

الف) بریدن بند : اضافی ب) این حدیث : وصفی

۲۶) گفت: «مرا بدین ملامت نباید کرد که من ریاست این کبوتران تکفل کرده ام و ایشان را از آن روی بر من حقّی واجب شده است.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. مطوّقه گفت: «مرا به خاطر این خواسته‌ام نباید سرزنش کرد زیرا من ریاست این کبوتران را به عهده گرفته‌ام ، به همین سبب آن‌ها بر من حقّی دارند.

۲) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) مرا بدین ملامت نباید کرد

ب) من ریاست این کبوتران تکفل کرده‌ام

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۲۷) و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزارند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به ادا رسانید

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. چون کبوتران با اطاعت و اندرزپذیری حق ریاست مرا ادا کردند و با کمک و پشتیبانی آنها از دام صیاد رهایی یافتم من نیز باید از عهده آن چه لازمه ریاست است، برآیم و وظایف و اعمالی را که به عنوان رئیس و بزرگ آنها بر من واجب می شود ادا کنم .

۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزارند

ب) به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم

پ) مواجب سیادت را به ادا رسانید

۳) در متن زیر غلط های املائی را بیابید و شکل درسا آنها را بنویسید. (۲ غلط وجود دارد)

«و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزارند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به ادا رسانید»

۲۸) و می ترسم که اگر از گشادن عقیده های من آغاز کنی، ملول شوی و بعضی از ایشان در بند بمانند.

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. می ترسم که اگر از گشودن گره های من آغاز کنی، خسته و ناتوان شوی و بعضی از کبوتران در بند بمانند.

۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. «می ترسم که اگر از گشادن عقیده های من آغاز کنی، ملول شوی»

۳) نقش دستوری قسمت های مشخص شده را بنویسید.

«و می ترسم که اگر از گشادن عقیده های من آغاز کنی، ملول شوی و بعضی از ایشان در بند بمانند»

متمم

نهاد

مسند

متمم

۲۹) و چون من بسته باشم اگر چه ملالت به کمال رسیده باشد اهمال جانب من جایز نشمری و از ضمیر، بدان رخصت نیابی

۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. اما اگر من اسیر و بسته باشم - حتی اگر در نهایت خستگی و آزرده گی باشی، برای آزاد کردن من سستی نمی کنی و دلت به اسیر و دربند بودن من رضایت نمی دهد.

۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. «اگر چه ملالت به کمال رسیده باشد اهمال جانب من جایز نشمری»

۳) نقش دستوری قسمت های مشخص شده را بنویسید.

«و چون من بسته باشم اگر چه ملالت به کمال رسیده باشد اهمال جانب من جایز نشمری و از ضمیر، بدان رخصت نیابی»

متمم

مسند

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۳۰) و نیز در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی تر، و آلّا طاعِنان مجالِ وقیعت یابند.»
(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. و همچنین در هنگام رنج و بلا مشارکت بود، شایسته تر آن است که در زمان آسایش و آسودگی یکدل و همراه باشیم، و آلّا سرزنشگران و عیب جویان فرصت بدگویی پیدا می کنند.
(۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. «و آلّا طاعِنان مجالِ وقیعت یابند.»
(۳) در متن زیر غلط های املائی را بیابید و شکل درست آن ها را بنویسید. (۲ غلط وجود دارد)
و نیز در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراق، موافقت اولی تر، و آلّا طاعِنان مجالِ وقیعت یابند.»
(۱) فراغ (۲) وقیعت

۳۱) موش گفت: «عادتِ اهلِ مکرّمات این است و عقیدتِ اربابِ مودّت بدین خصلتِ پسندیده و سیرتِ ستوده در موالاتِ تو صافی تر گردد و ثقتِ دوستان به گرمِ عهد تو بیفزاید.»
(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. موش گفت: عادت بزرگان اینگونه است که تو رفتار می کنی. و با این صفت پسندیده و رفتار و نیکونظر و عقیده دوستان در دوستی با تو پاک تر می گردد و اعتماد دوستان و یاران در بزرگواری و وفاداری تو به عهد و پیمان بیشتر می شود.
(۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.
الف) عقیدتِ اربابِ مودّت بدین خصلتِ پسندیده و سیرتِ ستوده در موالاتِ تو صافی تر گردد
ب) ثقتِ دوستان به گرمِ عهد تو بیفزاید.

۳۲) و آنگاه به جدّ و رغبت بندهای ایشان تمام ببرید و مطوّقه و یارانش، مطلق و ایمن بازگشتند.
(۱) معنی عبارت را به نثر روان بنویسید. آن گاه موش با جدیت و میل و رغبت بندهای کیوتران را برید و مطوّقه و یارانش آزاد و در امان بازگشتند.
(۲) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. «یارانش، مطلق و ایمن بازگشتند.»

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- درباره کاربرد و معنای فعل «ایستاد» در جمله های زیر توضیح دهید.

گرازان به تگ ایستاد.

صیاد در پی ایشان ایستاد.

۲- چهار واژه مهم املایی از متن درس بیابید و معادل معنایی آنها را بنویسید.

۳- در گذشته ، گاه ، در یک جمله، شناسه به قرینه فعل قبلی حذف می شد.

نمونه: شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید.

در جمله بالا فعل «رهانید» به جای «رهانیدند» آمده است.

حال از متن درس نمونه ای دیگر برای حذف شناسه بیابید و بنویسید.

قلمرو ادبی

۱- تشبیهات را در بیت های زیر بیابید و در هر مورد ، مشبه و مشبه به را مشخص کنید.

درفشان لاله در وی، چون چراغی

شقایق بر کیی پای ایستاده

ولیک از دود او بر جانش داغی

چو بر شاخ زمرد ، جام باده

۲- در عبارت زیر، استعاره را بیابید.

چون او را در بند بلا بسته دید ، زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی ها براند.

۳- از متن درس ، کنایه های معادل مفاهیم زیر را بیابید.

انسان با تجربه (.....)

نا امید شدن (.....)

قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.

در وقت فراغ موافقت اولی تر ، و الا طاعنان مجال وقیعت یابند.

۲- مفهوم قسمت های مشخص شده را بنویسید.

الف) مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به ادا رسانید.

ب) مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی باشد و آن را بر خود حقی نمی شناسی؟

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۳- هرکی از بیت های زیر، با کدام قسمت درس ارتباط مفهومی دارد؟

مروّت نبینم رهایی ز بند به تنها و یارانم اندر کمند سعدی

دوستان را به گاه سود و زیان بتوان دید و آزمود توان سنایی

۴- دو شخصیت زیر را بر مبنای این داستان تمثیلی، تحلیل نماید و ویژگی های شاخص آنها را بنویسید.

زاغ:

مُطَوِّقَه:

۵-

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

نمونه سؤالات امتحانی:

۱) معنای واژه‌های ردیف «الف» را در ردیف «ب» بیابید و جلوی آن بنویسید.

ردیف «الف»	ردیف «ب»	*	ردیف «الف»	ردیف «ب»
وقیعت:	جای ها	*	ورطه:	فرمان‌بری
ملول:	گره ، پیچیدگی	*	مطلق:	رفت و آمد
مطاوعت:	سستی، کاهلی	*	مظاہرت:	رهایی
صواب:	پشتیبانی	*	اختلاف:	سرزنش، بدگویی
مواضع:	رها شده، آزاد	*	اهمال:	دویدن
موالات:	سست و ناتوان، آزرده	*	تخلص:	دوستی
عقده:	مهلکه، خطر و دشواری	*	تگ:	صلاح و درست

۲) در عبارات زیر در کدام عبارات، شناسه به قرینه فعل قبلی حذف شده است؟

الف) و چون من بسته باشم اگر چه ملالت به کمال رسیده باشد اهمال جانب من جایز نشمری و از ضمیر، بدان رخصت نیابی
ب) شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید.

پ) چون او را در بند بلا بسته دید، زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی ها براند.

ت) و صیاد شادمان گشت و گرازان به تگ ایستاد، تا ایشان را در ضبط آرد و کبوتران اضطرابی می کردند و هر یک خود را می کوشید.

ث) کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سر خویش گرفت.

۳) آرایه‌های عبارت «گرم و سرد روزگار دیده» را بررسی کنید.

کنایه:

تضاد:

حس آمیزی:

۴) منظور از «روزگار گذاشتندی» در جمله «در طاعت و مطاوعت او روزگار گذاشتندی» چیست؟ زندگی خود را سپری می کردند

۵) یک مورد از حذف شناسه - جز آن چه در توضیحات آمده است - در درس کبوتر طوقدار بیابید. کبوتران اضطرابی می کردند و هر یک خود را می کوشید. (می کوشید = می کوشیدند)

۶) مقصود از عبارت «مرا نیز از عهده ی لوازم ریاست بیرون باید آمد و موجب سیادت را به ادا رسانید» چیست؟ آنچه که لازمه ی

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

رهبری و بزرگی است باید انجام دهم.

۷) چرا مطوقه پیشنهاد می دهد که موش به جای بریدن بندهای او، ابتدا بندهای دوستانش را ببرد؟ چون لازمه ی رهبری و بزرگی این است که رهبر در مواقع خطر ابتدا به فکر دیگران باشد

۸) در متن زیر «حذف شناسه» در کدام قسمت صورت گرفته است؟ آن را بنویسید.
«کبوتران اضطرابی می کردند و هر یک خود را می کوشید. مطوقه گفت: جای مجادله نیست.»

شناسه ی - ند (در) فعل می کوشیدند)
چون قرینه ی آن در جمله است. حذف به قرینه ی لفظی است.

۹) در بیت زیر، شاعر با بیان مصراع اول چه آرایه ی زیبایی خلق کرده است؟
شقایق بر یکی پای ایستاده
چو بر شاخ زمره، جام باده
تشخیص

۱۰) در عبارات زیر واژه های مشخص شده را معنا کنید
الف) در شکاری بسیار و اختلاف صیادان آنجا متواتر
ب) صیاد خایب بازگردد

۱۱) در بیت زیر آرایه های «ایهام تناسب و حسن تعلیل» را بیابید.
«درفشان لاله در وی چون چراغی ولیک از دود او بر جانش داغی»
ایهام تناسب: لاله
الف) گل لاله که پذیرفتنی است

ب) چراغ که پذیرفتنی نیست ولی با دود و درفشان متناسب است
حسن تعلیل: سیاهی داخل گل لاله به دلیل دود ناشی از حسرت او بر مرغزار است. (دلیل غیرواقعی)

۱۲) مفهوم عبارات کنایی زیر را بنویسید.
الف) خیر و شرّ احوال را مشاهدت کردن
ب) دل برگرفتن
ج) زه آب دیدگان گشادن

الف) با تجربه بودن ب) ناامید شدن ج) شروع به گریه کردن

۱۳) در عبارات زیر «اغراق و تشبیه» را بیابید.
«چون او را در بند بلا بسته دید زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار جوی ها براند»
اغراق: بر رخسار جوی ها براند اغراق در گریستن
تشبیه: بند بلا، زه آب دیدگان اضافه تشبیهی هستند.

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۱۴) مفهوم کدام عبارت به «پیروی کردن از راهنما» اشاره می‌کند؟
الف) همگان باید استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شمارند.
ب) کبوتران اشارت او را امام ساختند و راه بتافتند و صیاد بازگشت.
ج) گرم و سرد روزگار دیده و خیر و شر احوال مشاهده کرده

جواب: «ب»

۱۵) مفهوم کدام عبارت بر «ضرورت حقوق زیر دستان بر رؤسا» تأکید می‌کند؟
الف) در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر و آلا طاعنان مجال وقیعت یابند.
ب) من ریاست این کبوتران تکفل کرده‌ام و ایشان را از آن روی برمن حقی واجب شده است

جواب: «ب»

۱۶) مفهوم کلی عبارت زیر چیست؟
«در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته و هر یک را در دیگری راه گشاده و تیمار آن فراخور حکمت و برحسب مصلحت بداشته»

دوراندیشی

۱۷) بیت «مرّوت نبینم رهایی ز بند / به تنها و یارانم اندر کمند» با کدام عبارت درس تناسب مفهومی دارد؟
«گفت: نخست از آن یاران گشن، ای دوست، ابتدا از پریدن بند اصحاب اولی‌تر»

۱۸) درباره کاربرد و معنای فعل «ایستاد» در جمله‌های زیر توضیح دهید.

□ ■ گرازان به تک ایستاد.

□ ■ صیّاد در پی ایشان ایستاد.

■ شروع کرد

معنی عبارت: با جلوه و ناز شروع به دویدن کرد.

■ رفت

معنی عبارت: صیّاد به دنبال آنها رفت

۱۹) در عبارت زیر، استعاره را بیابید.

چون او را در بندِ بلا بسته دید، زه آبِ دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند.

استعاره: جوی ← اشک

به نام خدا

دبیرستان غیردولتی شهید ابراهیمی (دور دوم)

صفحه: ۱۲۰ کتاب

مبحث: درس ۱۵

پایه: یازدهم

کاربرگ شماره ۱

۲۰) ز متن درس، کنایه‌های معادلِ مفاهیم زیر را بیابید.

■ انسان با تجربه (.....)

■ ناامید شدن (.....)

■ انسان با تجربه: گرم و سرد روزگار چشیده

■ ناامید شدن: درماندن

۲۱) معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.

در وقت فراغ موافقتِ اولی‌تر، و الاّ طاعنانِ مجالِ وقیعت یابند.

معنی: در هنگام آسایش و راحتی همراهی شایسته‌تر است و گرنه طعنه‌زندگان، فرصت بدگویی پیدا می‌کنند.

مفهوم: در غم و شادی، متحد، یار و همراه بودن

۲۲) مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) مرا نیز از عهده‌ی لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به ادا رسانید.

ب) مگر تو را به نفسِ خویش حاجت نمی‌باشد و آن را بر خود حقی نمی‌شناسی؟

الف) وظایف رهبری و سروری را باید انجام دهم.

ب) مگر تو به جانت نیاز نداری؟

۲۳) هر یک از بیت‌های زیر، با کدام قسمت درس ارتباط مفهومی دارند؟

مروت نبینم رهایی ز بند به تنها و یارانم اند کمند سعدی

دوستان را به گاه سود و زیان بتوان دید آزمود توان سنایی

■ و من می‌ترسم که اگر از گشادن عقده‌های من آغاز کنی ملول شوی و بعضی از ایشان در بند بمانند.

■ در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر

های شاخص آنها را بنویسید (۲۴) دو شخصیت زیر را بر مبنای این داستانِ تمثیلی، تحلیل نمایید و ویژگی

زاغ:

مُطَوِّقَه

زاغ: عاقبت نگر و در حال کسب تجربه

مطوقه: ایثارگر، وظایف رهبری و مسئولیت سروری را خوب به انجام رسانید